

Analysis of Perceptual Differences of Rural Stakeholders Regarding Obstacles to Cooperative Development in Gilan Province

Mehdi Hesam¹

Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

Habib Mahmoudi Chenari

Assistant Professor, Department of Regional Studies, Environmental Sciences Research Institute, Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Rasht, Iran

Received: 26 January 2025 Revised: 1 July 2025 Accepted: 11 July 2025

Abstract

Rural cooperatives have long served as supportive institutions for development in line with government policies to improve livelihoods, production conditions, service provision, income levels, and the overall social well-being of local communities. However, there are some challenges facing the expansion of these institutions that need to be addressed. This study aims to analyze the perceptual differences of rural stakeholders regarding obstacles to cooperative development across four macro planning regions of Gilan Province, as defined in the provincial regional development plan. The statistical population includes experts, specialists, and members of rural cooperatives. The sample consisted of 23 experts, 18 specialists from the Departments of Labor, Cooperatives, and Social Welfare in the counties of Gilan Province, and 236 cooperative members. Data was analyzed using descriptive and inferential statistical methods. The results of the Friedman test identified five key components as the major obstacles to cooperative development: economic (3.58), institutional–managerial (3.00), legal (2.87),

1. Corresponding Author. Email: mhesam@guilan.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Hesam, M. and Mahmoudi Chenari, H. (2025). Analysis of Perceptual Differences of Rural Stakeholders Regarding Obstacles to Cooperative Development in Gilan Province. *Journal of Geography and Regional Development*, 23(3), 197-222. Doi: 10.22067/jgrd.2025.88689.1448

awareness (2.86), and socio-cultural (2.69) components. Additionally, according to the binomial test findings, more than 50% of respondents believed these factors play a significant role in hindering cooperative development. Furthermore, statistically significant differences were observed between perception levels of the population in the five categories (identified obstacles and challenges) in three groups of respondents across four planning regions of Gilan Province (western, central, eastern and southern regions). These findings highlight the importance of prioritizing key obstacles and incorporating spatial and regional differences in stakeholders' perceptions when formulating effective development strategies for rural cooperatives.

Keywords: Rural Stakeholders; Rural Cooperatives; Gilan Province.

واکاوی و ارزیابی تفاوت ادراک ذی‌نفعان روستایی از موانع توسعه تعاونی‌ها در استان گیلان

مهدی حسام (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت،

ایران، نویسنده مسئول)

mhesam@guilan.ac.ir

حبیب محمودی‌چناری (استادیار گروه مطالعات ناحیه‌ای، پژوهشکده محیط زیست، جهاد دانشگاهی، رشت، ایران)

habib.mahmoodi@alumni.ut.ac.ir

چکیده

تعاونی‌های روستایی همواره به‌عنوان نهادهایی که پشتیبان توسعه هستند، همگام با سیاست‌های دولت در بهبود زندگی، وضعیت تولید، ارائه خدمات، ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی جوامع محلی نقش مؤثری ایفا می‌نمایند. در این بین مشکلاتی در مسیر توسعه این نهادها وجود دارد که باید برطرف شوند. این مقاله با هدف بررسی و ارزیابی تفاوت‌های ادراکی ذی‌نفعان روستایی از موانع توسعه تعاونی‌ها در چهار منطقه کلان برنامه‌ریزی استان گیلان براساس سند آمایش سرزمین است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه متخصصین، کارشناسان و اعضای تعاونی‌های روستایی است که شامل ۲۳ نفر از متخصصان، ۱۸ نفر از کارشناسان ادارات کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان گیلان و ۲۳۶ نفر از اعضای تعاونی‌های روستایی استان می‌شود. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از آزمون‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فریدمن به‌ترتیب پنج مؤلفه اقتصادی (۳/۵۸) نهادی - مدیریتی (۳/۰۰)، قوانین (۲/۸۷)، آگاهی (۲/۸۶) و اجتماعی - فرهنگی (۲/۶۹) را از مهم‌ترین موانع توسعه تعاونی‌ها معرفی می‌کند. همچنین نتایج به‌دست آمده براساس آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان اعتقاد داشتند که موانع مذکور در توسعه تعاونی‌های روستایی نقش داشته‌اند، اما بین سطح ادراک جامعه نمونه از مقولات پنجگانه (موانع و چالش‌های شناسایی) در سه گروه پرسش‌شوندگان براساس تقسیم‌بندی نواحی چهارگانه کلان برنامه‌ریزی که در طرح آمایش سرزمین استان گیلان پیشنهاد شده است، تفاوت معناداری در هریک از این نواحی چهارگانه غربی، مرکزی، شرقی و جنوبی استان گیلان وجود

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲، صص ۱۹۷-۲۲۲

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که برای تدوین راهبردهای توسعه‌ای مؤثر، اولویت‌بندی این موانع و توجه به تفاوت‌های فضایی-منطقه‌ای در ادراک ذی‌نفعان امری ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: ذی‌نفعان روستایی، تعاونی‌های روستایی، استان گیلان.

۱. مقدمه

تعاونی‌های روستایی به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در تحقق توسعه پایدار روستایی، نقشی کلیدی در تقویت سرمایه اجتماعی، توانمندسازی اقتصادی و بهبود معیشت جوامع محلی ایفا می‌کنند. این تعاونی‌ها با تکیه بر مشارکت داوطلبانه روستاییان و در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای مشترک آن‌ها شکل گرفته‌اند (درویشی، شریف‌زاده و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۴). درحالی که اهمیت این نهادها در اسناد بالادستی نظیر اصل ۴۴ قانون اساسی و سند چشم‌انداز توسعه اقتصادی کشور به رسمیت شناخته شده است (حضرتی، مجیدی و رحمانی، ۱۳۸۹)، اما عملکرد عملی آن‌ها همواره با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو بوده که مانع از تحقق ظرفیت‌های بالقوه آن‌ها شده است.

در سال‌های اخیر، تحولات جهانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فناوری، ساختار سنتی و عملکرد تعاونی‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بسیاری از تعاونی‌ها در پاسخ‌گویی به فشارهای ناشی از جهانی‌شدن، رقابت‌های فزاینده و تغییرات فناوری، با دشواری مواجه شده‌اند (صفری، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، در ایران، حضور گسترده و مداخله‌گرایی دولت در اداره شرکت‌های تعاونی، به کاهش استقلال و انگیزه در میان فعالان اقتصادی انجامیده و از پویایی این بخش کاسته است (گوهریان، ۱۳۸۹).

با توجه اینکه پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر موانع ساختاری یا اقتصادی در سطح ملی تمرکز داشته‌اند و مطالعات اندکی به تحلیل تفاوت دیدگاه‌ها و برداشت‌های ذی‌نفعان محلی در خصوص موانع توسعه تعاونی‌ها پرداخته‌اند؛ در این پژوهش تلاش می‌شود تا با تمرکز بر مناطق چهارگانه برنامه‌ریزی استان گیلان به استناد طرح آمایش سرزمین، به بررسی و واکاوی این موضوع پرداخته

شود که ذی‌نفعان روستایی، شامل اعضای تعاونی، مدیران محلی، کارشناسان و نهادهای پشتیبان، چه موانعی را در مسیر توسعه تعاونی‌های روستایی درک می‌کنند و این ادراکات تا چه اندازه با یکدیگر تفاوت دارد.

به عبارتی هدف اصلی تحقیق حاضر، شناخت دقیق موانع توسعه تعاونی‌ها از منظر ذی‌نفعان محلی و تحلیل تفاوت‌های موجود در ادراک آن‌ها از این چالش‌ها در سطوح چهارگانه نظام برنامه‌ریزی استان گیلان بر مبنای سند آمایش است. این بررسی می‌تواند به شناسایی شکاف‌های موجود میان سیاست‌گذاران، مجریان و بهره‌برداران کمک کرده و زمینه‌ساز ارائه پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد تعاونی‌ها بر پایه واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بومی شود. بر این اساس پژوهش حاضر به جای پرداختن صرف به موانع عینی و ساختاری، بر ادراک ذهنی و اجتماعی ذی‌نفعان محلی از موانع توسعه تمرکز دارد و این ادراکات را با یکدیگر مقایسه می‌کند. این رویکرد می‌تواند دریچه‌ای تازه به شناخت شکاف‌های پنهان در سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد تعاونی‌ها در مناطق روستایی گیلان باز کند.

۲. پیشینه تحقیق

تعاونی‌های روستایی به عنوان نهادهای محوری توسعه، با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که شناسایی آن‌ها برای موفقیت و پایداری این تشکلهای ضروری است. در این زمینه، پژوهش‌های داخلی متعددی به بررسی ابعاد مختلف این موانع پرداخته‌اند. در ادامه، مروری بر مهم‌ترین مطالعات مرتبط ارائه می‌شود تا ضمن بررسی سیر پیشینه، جایگاه و ضرورت پژوهش حاضر نیز تبیین گردد.

نوروزی اجیرلو و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی در شرکت‌های تعاونی و کشاورزی» با رویکردی کیفی و تفسیری نشان می‌دهند که توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های روستایی با چالش‌های چندبعدی پیچیده‌ای مواجه است. یافته‌های ایشان حاکی از آن است که این موانع در قالب پنج دسته اصلی فرهنگی، ساختار سازمانی،

حمایت‌های کارآفرینی، ساختار فنی و ساختار مدیریتی قابل توصیف هستند و ضعف مهارت‌های مدیریتی تأثیری مثبت و مستقیم بر شکست این کسب‌وکارها دارد.

حسام و محمودی‌چناری (۱۴۰۴) در پژوهشی کیفی، موانع توسعه تعاونی‌های روستایی گیلان را در قالب پنج مقوله‌ی نهادی-مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سطح آگاهی و قوانین شناسایی کردند. امدادی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی در استان گلستان، با تحلیل SWOT نشان دادند تعاونی‌های روستایی در موضع راهبرد تهاجمی قرار دارند؛ یعنی باید از نقاط قوت داخلی (مانند امکان تسهیلات) برای بهره‌برداری از فرصت‌های خارجی (مانند معافیت‌های مالیاتی) استفاده کنند. مهم‌ترین ضعف‌ها، فردگرایی، مشکل وثیقه و ضعف فناوری بود. کریم (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران»، به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نظرات متخصصان، خبرگان و ذی‌نفعان این حوزه، به شناخت و اولویت‌بندی موانع پیش روی تعاونی‌های روستایی در سطح ملی پرداخت. یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری پیشرفته مانند رگرسیون گام‌به‌گام حاصل شده، نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش‌ها به ترتیب اولویت مربوط به عوامل سیاسی (با ضریب تأثیر ۰.۵۹۴)، عوامل اقتصادی، عوامل ساختاری-مدیریتی و در نهایت عوامل اجتماعی-فرهنگی (با کمترین ضریب تأثیر ۰.۰۹۹) است. نظری و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی کیفی با مدیران تعاونی‌های شهرکرد، چالش‌های توسعه را در سه حوزه اقتصادی، دولتی و اجتماعی شناسایی کردند. این چالش‌ها تحت تأثیر عوامل علی (مانند ضعف مدیریت)، زمینه‌ای (مانند زیرساخت) و مداخله‌گر (مانند قوانین) قرار داشتند. آجیلی، کاظمی و خسروی‌پور (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای پیمایشی، دیدگاه ۲۲۶ عضو تعاونی‌های تولیدی در شرق کرمانشاه را بررسی کردند. نتایج نشان داد که سطح تحصیلات، سابقه عضویت و آموزش با درک آنان از موانع و راهکارهای توسعه تعاونی رابطه معنادار دارد. این یافته‌ها بر نقش دانش و تجربه عملی در شکل‌دهی به ادراک ذی‌نفعان تأکید می‌کند. مطالعات پیشین نشان می‌دهد موانع توسعه تعاونی‌های روستایی چندبعدی است و عمدتاً در چهار حوزه کلی دسته‌بندی می‌شوند: مدیریتی و نهادی،

اقتصادی و زیرساختی، اجتماعی-فرهنگی و قانونی و سیاسی. این پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که ویژگی‌های فردی مانند سطح تحصیلات و تجربه عملی بر درک این موانع تأثیر می‌گذارد. بااین‌حال، علیرغم اشاره به نقش ذینفعان متنوع، تمرکز غالب بر ارائه دیدگاه کلی و یکپارچه بوده و تفاوت نظام‌مند در ادراک و اولویت‌بندی این موانع بین گروه‌های کلیدی ذینفع مانند اعضای عادی، مدیران، زنان و کشاورزان در یک بافت جغرافیایی مشخص به‌طور عمیق بررسی نشده است. پژوهش حاضر با هدف پرکردن این شکاف، به واکاوی تفاوت ادراک میان ذینفعان مختلف روستایی در استان گیلان می‌پردازد.

۳. روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف، نوعی تحقیق کاربردی و از لحاظ روش و ماهیت جزو تحقیقات توصیفی است و از نظر بازه زمانی، مقطعی محسوب می‌شود. روشی که در این پژوهش به کار رفته شد، آمیزه‌ای از روش‌های تحقیق کتابخانه‌ای، میدانی و پیمایشی است. دراین راستا جهت ارزیابی موانع توسعه تعاونی‌های روستایی در استان گیلان، از پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای بهره گرفته شده است. سؤالات پرسشنامه در ۵ بخش (فرهنگی و هویتی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و پژوهشی، نهادی و محیطی و زیرساختی) طراحی شده است که در هر بخش به تناسب سؤالات مربوط به هر شاخص درج شده است. در ادامه جهت پاییی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ و استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد؛ به این شکل که بعد از توزیع ۲۰ پرسشنامه به‌عنوان آزمون ابتدایی ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۴۱ به دست آمد. تعداد افراد پاسخگو به سؤالات شامل ۲۳ نفر از متخصصان، ۱۸ نفر از کارشناسان ادارات کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان گیلان و ۲۳۶ نفر از اعضای تعاونی‌های روستایی استان هستند. نمونه‌گیری به‌صورت روش در دسترس و به شکل تصادفی از بین کلیه این افراد انتخاب گردید. بدین ترتیب برای انتخاب نمونه‌ها در جامعه آماری متخصصان از روش گلوله‌برفی استفاده شد؛ به‌این ترتیب که از همه متخصصان

معرفی شده در استان گیلان جهت تکمیل پرسشنامه استفاده گردید. در انتخاب کارشناسان نیز از همه کارشناسان حوزه تعاون ادارات کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان گیلان بهره گرفته شد. برای تعداد نمونه اعضای تعاونی‌های روستایی استان نیز از فرمول کوکران استفاده شد. در این روش میزان d ، $0/05$ ، P ، $0/7$ و میزان Q ، $0/3$ در نظر گرفته شده است. با توجه به این موارد تعداد ۲۴۱ نفر به عنوان نمونه آماری این تحقیق انتخاب شدند که ۲۳۶ نفر پرسشنامه را پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (جدول و نمودارهای توزیع فراوانی) و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس به منظور شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه تعاونی‌ها و تحلیل تفاوت ادراکات ذی‌نفعان از آزمون‌های دوجمله‌ای و فریدمن استفاده شده است. در این تحقیق همچنین، استفاده از تقسیم‌بندی نواحی چهارگانه طرح آمایش سرزمین استان گیلان به عنوان چارچوب جغرافیایی، امکان تحلیل تفاوت‌های منطقه‌ای را فراهم کرد و به شناسایی الگوهای منطقه‌ای موانع کمک نمود.

محدوده مورد مطالعه نیز شامل استان گیلان و واحد مورد مطالعه تعاونی‌های روستایی است. در مجموع استان گیلان ۲۸۹۵ روستا دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که از این تعداد، ۴۸۰ روستا دارای ۹۳۷ تعاونی هستند. براساس آمار سال ۱۴۰۲، استان گیلان دارای ۲۴۵۴ تعاونی فعال است که ۶۱/۸۲٪ (۱۵۱۷ تعاونی) در مناطق شهری و ۳۸/۱۸٪ (۹۳۷ تعاونی) در مناطق روستایی قرار دارند. شهرستان رشت با ۴۵۴ تعاونی (۳۹۷ شهری، ۵۷ روستایی) بیشترین تعداد تعاونی را دارد و رضوان‌شهر با ۶۱ تعاونی (۴۱ شهری، ۲۰ روستایی) کمترین تعداد را دارد. بالاترین درصد تعاونی‌های روستایی نسبت به شهری در صومعه‌سرا (۶۲/۷۷٪)، فومن (۵۹/۷۵٪)، و شفت (۵۹/۰۶٪) و کمترین در رشت (۱۲/۵۶٪)، آستارا (۲۴/۲۹٪)، و بندرانزلی (۲۶/۲۹٪) مشاهده می‌شود.

۴. مبانی نظری

تعاون یکی از ارکان کلیدی در نظام اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می آید و بر مبنای اصول اجتماعی و اقتصادی خود، در بهبود تولید، اشتغال و سرمایه اجتماعی نقش مؤثری ایفا می کند (هانگ^۱، ۲۰۱۷). طبق تعریف اتحادیه بین المللی تعاون (ایکا^۲، ۲۰۰۵)، تعاونی ها تشکلهایی خودگردان با مالکیت مشترک و کنترل دموکراتیک هستند که برای رفع نیازها و آرمان های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا شکل می گیرند (لاوانگن^۳، ۲۰۲۱). این نهادها با پوشش حوزه هایی چون کشاورزی، امنیت غذایی، امور مالی و بازاریابی، نقش محوری در توسعه جوامع روستایی دارند (شفیعی و همکاران، ۲۰۱۹؛ ممبه و دوبی، ۲۰۱۷)^۴. تعاونی ها با بهبود دسترسی به منابع مالی و ارتقای بهره وری اقتصادی، به ایجاد معیشت پایدار، کاهش فقر و توسعه روستاها کمک می کنند (فرگوسن، ۲۰۱۲؛ کلیانتوس و همکاران، ۲۰۱۹)^۵. در سال های اخیر، مطالعات متعددی به بررسی نقش مثبت تعاونی ها در توسعه روستایی، اجتماعی و حتی سیاسی پرداخته اند (کومار و همکاران، ۲۰۱۵؛ اورتمن و کینگ، ۲۰۰۷؛ پومروی و همکاران، ۲۰۰۶)^۶. تجربه کشورهای مانند فیلیپین نشان می دهد که تعاونی ها توانسته اند وضعیت اقتصادی گروه های مختلف مانند ماهیگیران و کشاورزان کوچک را بهبود بخشند (باتی کادوس و همکاران، ۱۹۹۸؛ خیمنس و همکاران، ۲۰۱۸)^۷. به همین ترتیب، در ایران نیز تعاونی های روستایی در زمینه های مختلف اجتماعی-اقتصادی فعال بوده اند و توانسته اند به عنوان ابزار مؤثر توسعه روستایی، نقش آفرینی کنند (عارف و سارجیت، ۲۰۰۹).

1. Hong

2. ICA

3. Lawangen

4. Shafii et al., Mhembwe & Dube

5. Ferguson., Kleanthous et al

6. Kumar et al., Ortmann & King; Pomeroy et al.

7. Baticados et al., Jimenes et al

از منظر توسعه اقتصادی، تعاونی‌ها می‌توانند بستر مناسبی برای کاهش تصدی‌گری دولت، ارتقای کارآفرینی و بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی فراهم سازند (عزیزی و معصومی، ۱۳۹۳). ترویج فرهنگ تعاون و باور به مزایای آن، از جمله روش‌هایی است که می‌توان از طریق آن، مشکلات اقتصادی و اجتماعی را حل کرد (رستم‌نژاد، ۱۳۸۱، مالکوم^۱، ۲۰۰۴). سرمایه اجتماعی که شامل مفاهیمی چون اعتماد، مسئولیت‌پذیری و همکاری جمعی است، در ساختار و عملکرد تعاونی‌ها نمود بارزی دارد (دل‌انگیز، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، تعاونی‌ها با آموزش و تمرین دموکراسی مشارکتی، زمینه‌ساز تربیت سیاسی و توسعه حس مسئولیت‌پذیری در جوامع می‌شوند (جعفرپیشه، ۱۳۸۴).

تعاونی‌های روستایی با اهدافی چون ارتقای سطح زندگی روستاییان، افزایش بهره‌وری و فراهم‌سازی آموزش، به توسعه پایدار کمک می‌کنند (کریم، ۱۳۹۴). از جمله مهم‌ترین آثار اقتصادی آن‌ها می‌توان به ایجاد مشاغل درآمدزا، توسعه منابع انسانی، افزایش تجارت بین‌بخشی و دسترسی بهتر به بازارها اشاره کرد (عبدالرحمان^۲، ۲۰۱۷). در حوزه اجتماعی نیز، تعاونی‌ها باعث تقویت انسجام اجتماعی، ارتقای سلامت اجتماعی و افزایش عدالت درآمدی می‌شوند (کوکسال و همکاران^۳، ۲۰۱۶؛ زارع‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۵).

بااین‌وجود، تعاونی‌ها در مسیر رشد با چالش‌هایی مواجه‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کمبود منابع مالی، ضعف در زیرساخت‌ها، ناکارآمدی مدیریتی، عدم مشارکت جوانان و دشواری جذب نیروی انسانی متخصص اشاره کرد (دینگ، ۲۰۲۴؛ انگوا، ۲۰۲۲؛ رزمیاتی، ۲۰۲۳)^۴. همچنین، دسترسی محدود به بازارها و رقابت‌پذیری پایین نیز توان تعاونی‌ها را در توسعه اقتصادی کاهش داده است (پرکاسا، ۲۰۲۳؛ وانر، ۲۰۱۹)^۵. در برخی کشورها مانند اتیوپی، نیجریه و آفریقای جنوبی،

1 . malkom

2 - Abdel-Rahman

3 - Koksai et al

4. Ding; Ngwa., Rosmayati

5. Perkasa., Wanner

تعاونی‌ها با چالش‌هایی مانند بی‌سوادی اعضا، ضعف حکمرانی و نرخ بالای ترک عضویت مواجه‌اند که عملکرد آن‌ها را تضعیف کرده است (نوانکو، ۲۰۱۲؛ خومالو، ۲۰۱۴)^۱.

در این بین ادراک ذینفعان، شامل اعضای تعاونی‌ها، مدیران، کارشناسان و متخصصان، نقش محوری در شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه تعاونی‌های روستایی ایفا می‌کند، زیرا این ادراکات نه تنها بازتاب‌دهنده چالش‌های عینی مانند مشکلات اقتصادی یا قانونی هستند، بلکه تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، و منطقه‌ای قرار دارند (واگنر، ۲۰۱۹)^۲. تفاوت در برداشت ذینفعان از موانع که می‌تواند ناشی از سطح آگاهی، تجربه کاری یا شرایط جغرافیایی باشد، به شناسایی شکاف‌های موجود بین سیاست‌گذاری و اجرا کمک می‌کند (ونکاتاراگهوان، ۲۰۲۱)^۳. برای مثال، اعضای تعاونی‌ها ممکن است موانع اقتصادی را پررنگ‌تر ببینند، درحالی‌که کارشناسان بر مشکلات مدیریتی تأکید کنند. تحلیل این تفاوت‌های ادراکی، به‌ویژه در مناطق مختلف با ویژگی‌های بومی متفاوت، امکان تدوین راهکارهای هدفمند و متناسب با نیازهای محلی را فراهم می‌سازد و به توسعه پایدار تعاونی‌ها کمک می‌کند (سایمونز و برچال، ۲۰۰۸)^۴. تحلیل ادراک ذینفعان از تعاونی‌ها به‌ویژه در مناطق خاصی مانند استان گیلان می‌تواند به شناسایی الگوهای تمرکز مشکلات و تدوین سیاست‌های اثربخش کمک کند. بررسی این ادراکات و چالش‌ها برای تدوین برنامه‌های دقیق‌تر توسعه تعاونی‌های روستایی، افزایش کارایی و ارتقای پایداری آن‌ها در این منطقه ضروری است.

1. ETEFA., Nwankwo., Khumalo

2. Wagner, 2019

3. Venkataraghavan, 2021

4. Simons & Birchall, 2008

۵. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، یافته‌ها در سه محور اصلی شامل توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان، شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه تعاونی‌های روستایی در استان گیلان و تحلیل تفاوت ادراکات ذی‌نفعان از این موانع ارائه شده است.

در ارتباط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، بررسی‌های اولیه نشان داد که عمده پاسخ‌دهندگان (بیش از ۶۰ درصد) در رده سنی ۳۶ تا ۴۵ سال قرار دارند و بیش از ۲۵ درصد نیز بین ۴۶ تا ۵۵ سال سن داشتند. اکثریت پاسخ‌دهندگان زن بودند و نزدیک به ۴۰ درصد از آن‌ها مدرک کارشناسی داشتند. همچنین، نیمی از پاسخ‌دهندگان دارای شغل آزاد بوده و یک‌چهارم از آنها در ادارات و فعالیت‌های دولتی اشتغال داشتند.

در ادامه به منظور ارزیابی نقش و جایگاه موانع شناسایی‌شده در ارتباط با ایجاد و توسعه تعاونی‌های روستایی از آزمون دوجمله‌ای استفاده شد. با توجه به جدول شماره ۳ مشخص شد که نتایج در همه شاخص‌ها معنادار بوده است. در شاخص آگاهی ۷۹ درصد از پاسخ‌دهندگان اعتقاد داشتند در استان گیلان موارد مربوط به آگاهی و اطلاع‌رسانی مانع جدی برای توسعه تعاونی‌های روستایی محسوب می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت آموزش و اطلاع‌رسانی به جامعه هدف روستایی درباره تعاونی‌ها، اهداف، نحوه تأسیس تعاونی‌ها، مزایا، موارد حقوقی و غیره است. در حقیقت بسیاری از متخصصان، مدیران و کارشناسان مربوط و اعضای تعاونی‌ها قائل به ضعف در این حوزه هستند. در شاخص قوانین نیز ۷۴ درصد پاسخ‌دهندگان اعتقاد بر زیاد و خیلی‌زیاد بودن این مانع دارند. درواقع موانع قانونی مانند فرآیند اخذ مجوزها یا تغییرات قوانین می‌تواند روند ایجاد یا توسعه تعاونی‌ها را متوقف نماید. در شاخص اجتماعی و فرهنگی نیز ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان بالاتر از میانگین یعنی عدد ۳ نظر داشتند. به‌صورت کلی این شاخص به‌عنوان موضوعی اساسی در شکل‌گیری و توسعه تعاونی‌ها مطرح می‌شود که می‌تواند بقیه شاخص‌ها را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد؛ چراکه درواقع ذی‌نفعان اصلی تعاونی‌ها، عامه مردم و در موضوع مورد تحقیق روستاییان هستند که

چنانچه از لحاظ فرهنگی آمادگی پذیرش تعاونی‌ها را داشته باشند، این امر می‌تواند کمک بزرگی برای توسعه آن محسوب گردد. در شاخص اقتصادی نیز ۸۵ درصد از افراد به زیاد و خیلی زیاد بودن این مانع اعتقاد داشتند. در این شاخص نگرانی‌های بسیاری از هر سه گروه پاسخ‌دهنده (متخصصان، کارشناسان و اعضای تعاونی‌های روستایی) مطرح شده است که از مهم‌ترین آنها ضعف بنیه مالی و فرایند سخت دریافت تسهیلات یا نبود تسهیلات بانکی را می‌توان ذکر نمود. در همه این مورد نکته قابل توجه آن است که بسیاری از اعضای تعاونی‌ها و حتی روستاییان غیرعضو در تعاونی‌ها، انتظارات بسیاری بالایی از نهادهای مربوطه به‌ویژه ادارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی جهت پرداخت تسهیلات دارند. حتی می‌توان ذکر نمود که برخی از افراد صرفاً به دلیل دریافت تسهیلات اقدام به تأسیس تعاونی نموده و عموماً پس از عدم توفیق در دریافت وام، اعلام انحلال نموده و یا اصلاً مراجعه‌ای جهت پیگیری امور تعاونی ندارند. آخرین شاخص نیز در بحث مدیریتی و نهادی است که به‌زعم ۸۴ درصد از پاسخ‌دهندگان مانعی بیش از حد متوسط محسوب می‌گردد.

جدول ۱. نتایج آزمون دو جمله‌ای مربوط به شاخص‌های مورد بررسی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

گویه	طبقه	فراوانی	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	معناداری برای فراوانی مورد انتظار
آگاهی	گروه اول	≥ 3	۵۸	۰/۲۱	۰/۵۰
	گروه دوم	< 3	۲۱۹	۰/۷۹	
	جمع		۲۷۷	۱	
قوانین	گروه اول	≥ 3	۷۰	۰/۲۶	۰/۵۰
	گروه دوم	< 3	۱۹۸	۰/۷۴	
	جمع		۲۶۸	۱	
اجتماعی و فرهنگی	گروه اول	≥ 3	۵۸	۰/۲۲	۰/۵۰
	گروه دوم	< 3	۲۱۰	۰/۷۸	
	جمع		۲۶۸	۱	

معناداری برای فراوانی مورد انتظار	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	فراوانی	طبقه	گویه
۰/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۱۵	۴۲	۳ >=	گروه اول
		۰/۸۵	۲۳۲	۳ <	گروه دوم
		۱	۲۷۴		جمع
۰/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۱۶	۴۳	۳ >=	گروه اول
		۰/۸۴	۲۳۴	۳ <	گروه دوم
		۱	۲۷۷		جمع

در ادامه برای رتبه‌بندی شاخص‌های مربوط به موانع ایجاد و توسعه تعاونی‌های روستایی در استان گیلان از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد به ترتیب شاخص اقتصادی، مدیریتی و نهادی، قوانین، آگاهی و اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین موانع قلمداد می‌شوند.

جدول ۲- نتایج آزمون فریدمن در سطح شاخص‌های مورد بررسی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

رتبه	میانگین رتبه ای	شاخص
۱	۳/۵۸	اقتصادی
۲	۳/۰۰	نهادی و مدیریتی
۳	۲/۸۷	قوانین
۴	۲/۸۶	آگاهی
۵	۲/۶۹	اجتماعی و فرهنگی
۰/۰۰۰		معناداری

در جدول زیر نتایج آزمون دو جمله‌ای مربوط به گویه‌های شاخص آگاهی مشاهده می‌شود. در گویه عدم مهارت و تخصص مدیر، ۶۲ درصد پاسخ‌دهندگان اذعان دارند که این مانع بیش از حد متوسط یعنی ۳ به‌عنوان چالش مطرح است. حضور افراد بدون تخصص و مهارت لازم، عدم

بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی، عدم الزام به شرکت در کلاس‌های آموزشی قبل از تأسیس شرکت و ناآشنایی اعضا با اصول تعاونی نیز از دیگر گویه‌های معنادار آزمون دو جمله‌ای بودند که در همه آنها بیش از ۶۰ درصد افراد اعتقاد به مانع زیاد و خیلی زیاد داشتند.

در شاخص قوانین براساس آزمون دو جمله‌ای، گویه مالیات‌های سنگین و نبود سازکار مشخص در خصوص دریافت آن با ۶۳ درصد مهم‌ترین مانع محاسبه گردید.

براساس آزمون دو جمله‌ای در شاخص اجتماعی و فرهنگی، گویه‌های عدم توانایی ابتکار و نوآوری با ۶۱ درصد، عدم حمایت از ایده‌های جدید و بروز با ۵۸ درصد، غیرعلمی بودن مدیریت با ۶۱ درصد، عدم بکارگیری نیروی‌های متخصص با ۶۶ درصد، انتخاب نکردن افراد شایسته در کادر اجرایی با ۶۰ درصد، توزیع ناعادلانه وام و تسهیلات دیگر براساس پارتی و سفارش با ۵۸ درصد، عدم تمایل اعضا به ارتقای دانش کاری با ۶۰ درصد و عدم انگیزه افراد برای ادامه کار به واسطه مشکلات و موانع موجود با ۶۱ درصد بالاتر از حد متوسط موانع معنادار هستند.

نتایج آزمون دو جمله‌ای مربوط به گویه‌های شاخص اقتصادی نشان می‌دهد که تقریباً همه موانع معنادار هستند، اما گویه‌های افزایش هزینه‌های تولید و فرآیند پیچیده تخصیص وام بالاترین درصد موافقت با عدد بیشتر از میانگین یعنی ۳ را داشتند.

رتبه‌بندی گویه‌های نهادی مدیریتی با استفاده از آزمون فریدمن نیز نشان داده که به ترتیب حمایت نشدن کارهای تولیدی در سیاست‌های کلان مملکتی، عدم حمایت سازمان‌های ذی‌ربط در زمینه فروش و ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای مهم‌ترین موانع این شاخص برای ایجاد و توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی استان گیلان هستند.

در ادامه جهت بررسی تفاوت نظرات بین سه گروه متخصصان، کارشناسان و اعضای تعاونی‌ها از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نظرات سه گروه فوق‌الذکر وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات سه گروه متخصصان، کارشناسان و اعضای تعاونی‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

میانگین رتبه‌ای	تعداد	پاسخ‌دهندگان
۱۶۶/۲۶	۲۳	متخصصان
۱۲۲/۹۲	۱۸	کارشناسان
۱۳۷/۵۷	۲۳۶	اعضای تعاونی‌ها
۲۷۷	جمع	
۰/۱۷۷	معناداری	

اما جهت بررسی تفاوت نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی مختلف استان گیلان از تقسیم‌بندی نواحی چهارگانه کلان برنامه‌ریزی که در طرح آمایش سرزمین استان گیلان پیشنهاد شده است، استفاده گردید. این آزمون غیرپارامتریک برای مقایسه توزیع داده‌ها در گروه‌های مختلف (نواحی چهارگانه) مناسب است، به‌ویژه زمانی که داده‌ها (مانند امتیازات طیف لیکرت) نرمال نیستند. این آزمون امکان شناسایی تفاوت‌های معنادار بین نواحی را فراهم کرد.

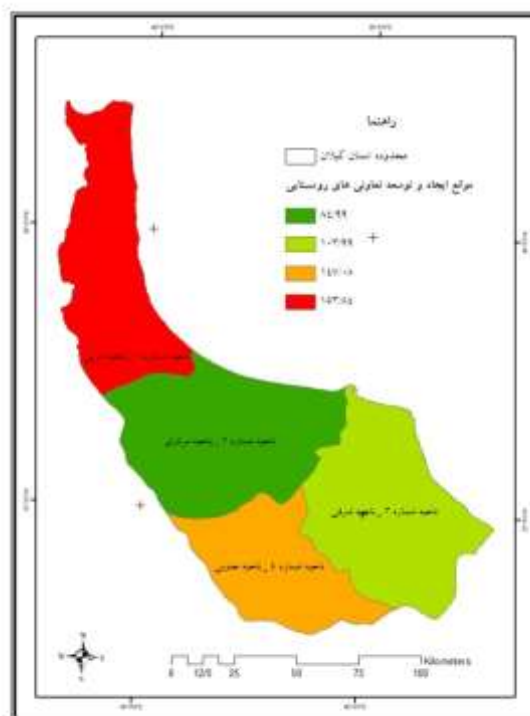
نتایج آزمون کروسکال والیس برای بررسی تفاوت نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه کلان برنامه‌ریزی آمایش سرزمین استان گیلان نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نظرات اعضای تعاونی‌های این چهار ناحیه وجود دارد. براین اساس ناحیه غربی با بیشترین مانع در ایجاد و توسعه تعاونی‌های روستایی مواجه است و پس از آن ناحیه جنوبی، شرقی و مرکزی قرار دارند.

جدول ۴. نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

میانگین رتبه‌ای	تعداد	نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی
۱۵۳/۸۴	۸۳	ناحیه شماره ۱ - ناحیه غربی
۸۴/۹۹	۶۷	ناحیه شماره ۲ - ناحیه مرکزی
۱۰۳/۹۹	۷۳	ناحیه شماره ۳ - ناحیه شرقی

میانگین رتبه‌ای	تعداد	نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی
۱۴۷/۰۸	۱۳	ناحیه شماره ۴ - ناحیه جنوبی
۲۳۶		جمع
۰/۰۰۰		معناداری



شکل ۱- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی به صورت کلی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

اما نتایج آزمون کروسکال والیس برای بررسی تفاوت نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه کلان برنامه‌ریزی آمایش سرزمین استان گیلان در شاخص‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نظرات اعضای تعاونی‌های این چهار ناحیه وجود دارد. در شاخص آگاهی ناحیه غربی با بیشترین مشکل مواجه است و پس از آن ناحیه جنوبی، شرقی و مرکزی قرار دارند. در شاخص قوانین بیشترین مشکل مربوط به ناحیه جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی است. در شاخص اجتماعی و فرهنگی نیز به ترتیب نواحی جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی قرار دارند. در شاخص اقتصادی به ترتیب نواحی غربی، جنوبی، شرقی و مرکزی قرار دارند. در شاخص نهادی و مدیریتی نیز نواحی جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی قرار دارند.

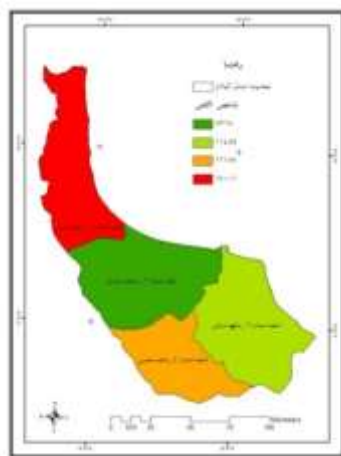
جدول ۵. نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی براساس

شاخص‌های مختلف

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

شاخص	نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی	تعداد	میانگین رتبه‌ای
آگاهی	ناحیه شماره ۱ - ناحیه غربی	۸۳	۱۵۰/۰۱
	ناحیه شماره ۲ - ناحیه مرکزی	۶۷	۸۳/۱۸
	ناحیه شماره ۳ - ناحیه شرقی	۷۳	۱۱۴/۴۹
	ناحیه شماره ۴ - ناحیه جنوبی	۱۳	۱۲۱/۸۸
	جمع	۲۳۶	
قوانین	ناحیه شماره ۱ - ناحیه غربی	۸۱	۱۴۱/۲۹
	ناحیه شماره ۲ - ناحیه مرکزی	۶۵	۸۰/۹۸
	ناحیه شماره ۳ - ناحیه شرقی	۶۸	۱۰۴/۸۶
	ناحیه شماره ۴ - ناحیه جنوبی	۱۳	۱۵۶/۸۸
	جمع	۲۲۷	
اجتماعی و فرهنگی	ناحیه شماره ۱ - ناحیه غربی	۸۱	۱۳۷/۱۴
	ناحیه شماره ۲ - ناحیه مرکزی	۶۵	۸۷/۱۲
	ناحیه شماره ۳ - ناحیه شرقی	۶۸	۱۰۶/۸۵
	ناحیه شماره ۴ - ناحیه جنوبی	۱۳	۱۴۱/۶۲

شاخص	نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی	تعداد	میانگین رتبه‌ای
	جمع	۲۲۷	
اقتصادی	ناحیه شماره ۱ - ناحیه غربی	۸۱	۱۴۳/۸
	ناحیه شماره ۲ - ناحیه مرکزی	۶۶	۹۷/۲۷
	ناحیه شماره ۳ - ناحیه شرقی	۷۳	۱۰۱/۲۳
	ناحیه شماره ۴ - ناحیه جنوبی	۱۳	۱۳۸/۷۷
	جمع	۲۳۳	
مدیریتی	ناحیه شماره ۱ - ناحیه غربی	۸۳	۱۴۸/۸۵
	ناحیه شماره ۲ - ناحیه مرکزی	۶۷	۹۴/۴
	ناحیه شماره ۳ - ناحیه شرقی	۷۳	۱۰۲/۹۳
	ناحیه شماره ۴ - ناحیه جنوبی	۱۳	۱۳۶/۳۵
	جمع	۲۳۶	
معناداری		۰/۰۰۰	

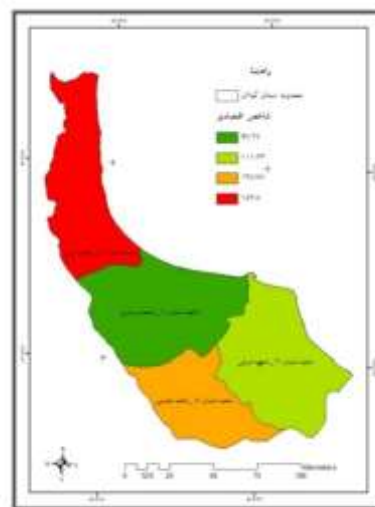


شکل ۳- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص آگاهی

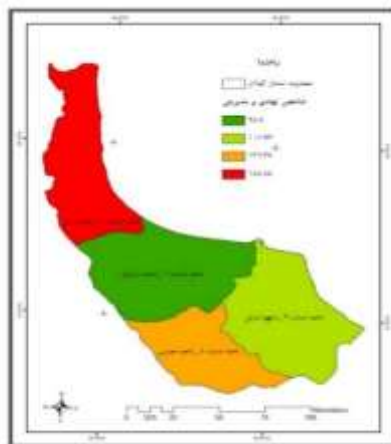
شکل ۲- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص قوانین



شکل ۵- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص اجتماعی و فرهنگی



شکل ۴- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص اقتصادی



شکل ۶- نتایج آزمون کروسکال والیس بین نظرات اعضای تعاونی‌ها در نواحی چهارگانه برنامه‌ریزی در شاخص نهادی و مدیریتی

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه هدف تعاونی‌ها پیروی از یک هدف مشترک برای کلیه اعضا است، مشکلات موجود در این مسیر نیز مربوط به همه ذینفعان می‌شود. گسترش فرهنگ تعاون در جامعه می‌تواند بسیاری از چالش‌های موجود را رفع نماید. البته این چالش‌ها در بین ذینفعان مختلف تعاونی‌ها (مدیران و کارشناسان نهادهای دولتی، اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل تعاونی‌ها، اعضای تعاونی‌ها، روستاییان و غیره) دارای تفاوت است. مسئله مهم در این باره، شناسایی دقیق موانع و برنامه‌ریزی در جهت رفع آنها است.

استان گیلان دارای ۲۴۵۴ تعاونی فعال است که از این تعداد ۱۵۱۷ تعاونی در مناطق شهری (۶۱٪) و ۹۳۷ تعاونی در مناطق روستایی (۳۸٪) قرار دارند. با توجه به اینکه در این استان ۲۸۹۵ روستا وجود دارد که از این تعداد، ۴۸۰ روستا دارای ۹۳۷ تعاونی به صورت عمومی هستند، مشخص است که بسیاری از مناطق روستایی تعاونی نداشته و یا انحلال تعاونی‌ها صورت گرفته است. بنابراین ارزیابی موانع این موضوع بسیار ضروری است.

در تحقیق حاضر، واکاوی و ارزیابی تفاوت ادراک ذینفعان روستایی از موانع توسعه تعاونی‌ها در استان گیلان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که به ترتیب پنج مؤلفه اقتصادی، نهادی - مدیریتی، قوانین، آگاهی و اجتماعی - فرهنگی مهم‌ترین موانع به شمار می‌روند. این موانع از دیدگاه ۲۳ نفر از متخصصان، ۱۸ نفر از کارشناسان ادارات کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان گیلان و ۲۳۶ نفر از اعضای تعاونی‌های روستایی استان منتج شده است.

تفاوت در سطح ادراکات جامعه هدف در نواحی چهارگانه استان گیلان، خود نشان‌دهنده لزوم برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و هدفمند است. در شاخص آگاهی، نیاز بیشتر اعضای تعاونی‌ها به آموزش و اطلاع‌رسانی برای رسیدن به سطح مطلوب آگاهی، به ویژه در ناحیه غربی، برجسته است. این

موضوع می‌تواند به دلیل ضعف زیرساخت‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی در این مناطق باشد که منجر به عدم آشنایی کافی با مزایای تعاونی‌ها و اصول آن شده است.

در شاخص قوانین، تفاوت‌ها در ادراک موانع قانونی، به‌ویژه در ناحیه جنوبی، ممکن است ناشی از چالش‌های خاص در اجرای قوانین محلی و ملی در این نواحی باشد که نیاز به بررسی دقیق‌تر و اصلاحات قانونی دارد. این چالش‌ها می‌تواند شامل فرآیندهای پیچیده اخذ مجوز یا مشکلات ناشی از مالیات‌های سنگین باشد که در این مناطق بیشتر احساس می‌شود.

در شاخص اجتماعی و فرهنگی، نتایج نشان می‌دهد که نواحی جنوبی نیاز به تقویت تعاملات اجتماعی و فرهنگی و تشویق مشارکت اعضا دارند. این موضوع می‌تواند بیانگر ضعف سرمایه اجتماعی و روحیه مشارکت‌پذیری پایین‌تر در این مناطق باشد که مانع از بهره‌مندی کامل از پتانسیل‌های تعاونی‌ها می‌شود.

در شاخص اقتصادی، تفاوت‌ها در ادراک موانع اقتصادی، به‌ویژه در نواحی غربی و جنوبی، ممکن است به دلیل تفاوت در سطح سرمایه‌گذاری، دسترسی به تسهیلات مالی و میزان تولید ناخالص داخلی در این نواحی باشد که نیاز به برنامه‌ریزی اقتصادی دقیق‌تر دارد. این امر می‌تواند شامل نیاز مبرم به وام‌های کم‌بهره و کاهش هزینه‌های تولید باشد.

در شاخص نهادی و مدیریتی نیز، نتایج نشان می‌دهد که نواحی جنوبی و غربی نیاز به بهبود رهبری، برنامه‌ریزی مدیریتی و حمایت‌های سازمانی دارند تا بتوانند به سطح مطلوبی از کارایی نهادی دست یابند. این ضعف می‌تواند ناشی از نبود مدیران متخصص، عدم نظارت کافی و عدم حمایت از کارهای تولیدی در سیاست‌های کلان باشد.

این تفاوت‌های منطقه‌ای در ادراکات، اهمیت برنامه‌ریزی‌های متناسب با ویژگی‌های بومی هر ناحیه را برای دستیابی به توسعه پایدار و متوازن در استان گیلان از طریق ایجاد و تقویت تعاونی‌های روستایی نشان می‌دهد.

۷. پیشنهادها

براساس یافته‌های تحقیق، برای رفع موانع توسعه تعاونی‌های روستایی در استان گیلان، راهکارهای مشخص زیر پیشنهاد می‌شود:

- حوزه اقتصادی: با توجه به اهمیت بالای این مانع، ارائه وام‌های کم‌بهره با فرآیند ساده، به‌ویژه در نواحی غربی و جنوبی که بیشتر با مشکلات اقتصادی مواجه‌اند، ضروری است. همچنین، کاهش هزینه‌های تولید از طریق یارانه نهاده‌ها و ایجاد بازارهای محلی می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی تعاونی‌ها کمک کند.
- حوزه نهادی-مدیریتی: حمایت از تعاونی‌ها در سیاست‌های کلان کشوری، بهبود زیرساخت‌های تولیدی و آموزش مستمر مدیران در زمینه مدیریت مالی، بازاریابی و اصول تعاونی‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.
- حوزه قوانین: ارائه معافیت‌های مالیاتی و تسهیل فرآیند اخذ مجوز، به‌ویژه در ناحیه جنوبی که با مشکلات قانونی بیشتری دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌تواند به رونق تعاونی‌ها کمک کند. آموزش قوانین تعاونی به اعضا و کارشناسان نیز برای رفع ابهامات و افزایش آگاهی حقوقی ضروری است.
- حوزه آگاهی: برگزاری دوره‌های آموزشی اجباری پیش از تأسیس تعاونی‌ها، به‌ویژه در ناحیه غربی که با چالش آگاهی بیشتری مواجه است و اجرای کمپین‌های اطلاع‌رسانی گسترده برای ترویج فرهنگ تعاون و مزایای آن، به افزایش دانش و مشارکت اعضا منجر خواهد شد.
- حوزه اجتماعی-فرهنگی: تقویت سرمایه اجتماعی از طریق برگزاری کارگاه‌های تعاملی، تشویق مشارکت فعال اعضا و حمایت از ایده‌های نوآورانه، به‌ویژه در ناحیه جنوبی، برای ایجاد انگیزه و رفع مشکلات اجتماعی-فرهنگی تعاونی‌ها ضرورت دارد.

■ به صورت منطقه‌ای، ناحیه غربی به آموزش گسترده و حمایت مالی، ناحیه جنوبی به اصلاح قوانین و تقویت مدیریت و نواحی شرقی و مرکزی به بهبود بازاریابی و زیرساخت‌ها نیاز دارند. در نهایت، ایجاد شبکه همکاری بین تعاونی‌ها، نظارت مستمر بر عملکرد آن‌ها و تقویت مشارکت دولت و بخش خصوصی برای تأمین منابع و حمایت‌های لازم، توسعه پایدار تعاونی‌ها در استان گیلان را تضمین خواهد کرد.

کتابنامه

۱. آجیلی، ع؛ کاظمی، پ؛ و خسروی‌پور، ب. (۱۴۰۱). تحلیل عوامل بازدارنده و پیش‌برنده توسعه تعاونی‌های تولید روستایی شرق کرمانشاه (سنقر، صحنه و کنگاور). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۵(۱)، ۱۸۸-۲۰۶.
۲. امدادی، ا؛ محبوبی، م؛ و عبدالله‌زاده، غ. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تعاونی‌های توسعه روستایی در راستای تدوین راهبردهای توسعه کارآفرینی. *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، ۵(۱)، ۶۱-۷۶.
۳. جعفرپیشه، ج. (۱۳۸۴). تعاون نواندیشی در سیاست‌های تولید اشتغال. در *مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون و اشتغال و توسعه* (جلد اول)، ۱-۷.
۴. حسام، م؛ و محمودی‌چناری، ح. (۱۴۰۴). شناسایی موانع ایجاد و گسترش تعاونی‌های روستایی در استان گیلان. *مجله پژوهش‌های روستایی*، ۱۳(۲)، ۱-۱۴.
۵. حضرتی، م؛ مجیدی، ب؛ و رحمانی، ب. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های کشاورزی در توسعه اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان خداآهنه. *نشریه تعاون و کشاورزی*، ۲۱(۳)، ۹۰-۱۱۱.
۶. درویشی، م؛ شریف‌زاده، م؛ و عبدالله‌زاده، غ. (۱۳۹۶). واکاوی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در پیشبرد توسعه پایدار: رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۲۰(۳)، ۴۳-۶۴.
۷. دل‌انگیز، س. (۱۳۸۴). رهیافتی بر سیاست‌گذاری تعاونی‌های تولیدی. در *مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون و اشتغال و توسعه* (جلد اول)، ۵۲-۶۳.
۸. رستم‌نژاد، م. (۱۳۸۱). رویکردهای فرهنگی ترویج تعاون. *ماهنامه تعاون*، ۱۳۰، ۴-۵.

۹. زارع‌شاه‌آبادی، ا؛ حاجی‌زاده‌میمندی، م؛ و سیارخلج، ح. (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با موفقیت تعاونی‌های تولیدی شهر یزد. *توسعه اجتماعی*، ۱۰(۱)، ۱۲۷-۱۵۶.
۱۰. صالحی، ا. (۱۳۸۶). نقش تعاونی‌ها در اشتغال‌زایی. *مجله تعاون*، ۱۸۹ و ۱۹۰، ۹۸-۱۰۲.
۱۱. صفری، ح؛ آریان‌فر، خ؛ و ابراهیمی، ع. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی مصرف برتر. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۲۰(۲۱۲)، ۳۳-۵۱.
۱۲. عزیزی، ج؛ و معصومی، ح. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ تعاونی بخش کشاورزی استان گیلان. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۶(۴)، ۱۲۹-۱۴۶.
۱۳. کریم، م. ح. (۱۳۹۴). چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۴(۳)، ۱۷۳-۱۹۶.
۱۴. گوهریان، ف. (۱۳۹۰). بررسی مسائل و مشکلات شرکت‌های تعاونی اعتبار با رویکرد اصلاح قانون بخش تعاون. *ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، ۱۹(۲)، ۸۷-۱۱۹.
۱۵. نظام‌شاهی، م. (۱۳۸۱). *اصول مدیریت تعاونی‌ها در ایران*. تهران: روشنگران نصر.
۱۶. نظری، ه، خیری، ح؛ و نصیری، م. (۱۴۰۴). تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی. *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۱۹(۲)، ۱۳۰-۱۶۴.
۱۷. نوروزی‌اجیرلو، ر؛ سلیمان‌پور، م؛ رئیس، م. ک؛ و اصغری‌راد، ج. (۱۴۰۳). واکاوی موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی در شرکت‌های تعاونی و کشاورزی راهبردهای. *راهبردهای توسعه روستایی*، ۱۱(۲)، ۱۷۴-۱۹۱. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2024.397143.2099>.

18. Hong, H. N. (2017). Factors affecting sustainable development of agricultural cooperatives in the Mekong River Delta, Vietnam. *American Journal of Applied Sciences*, 14(10), 1005-1010.
19. Koksai, K., Erdal, Y. E., & Demir, O. (2016). Farmers' attitudes towards agricultural cooperatives: the case of IĞDIR Province of Turkey. *Can J. App Sci*, 6(3), 1-7.

20. Abdel-Rahman, A. T. (2017). Factors affecting farmers' benefits from agricultural cooperatives services: The case of Kafrelsheikh Governorate, Egypt. *International Journal of Economic Research*, 14(10), 129–144.
21. Malkom, H. (2004). *Cooperative success*. Practical Action Publishing.
22. Kuntoro, B. A. (2006). Analyses on characteristics of tree dairy cooperatives sampled in east java. *Journal of Applied Sciences*, 6(4), 757–762.
23. Crop, R. (2005). Cooperative Leadership. *University of Wisconsin Center for Cooperatives(UWCC) Bulletin No. 9*, July Cooperatives in Wisconsin, Lynn Pitman,
24. Coulter, M. (2005). *Entrepreneurship in action* (2th ed.). Prentice Hall Publishing. Publisher: Pearson,
25. Fulton, M. (1999). Cooperatives and member commitment. *The Finnish Journal of Business Economics*, 4, 418-437.
26. Ding, Y. (2024). Challenges in cooperative development: A managerial perspective. *Journal of Cooperative Studies*, 45(2), 123–135.
27. Ngwa, P. (2022). Financial constraints in rural cooperatives. *International Journal of Rural Development*, 39(4), 567–580.
28. Wanner, M. (2019). Infrastructure challenges in cooperative growth. *Rural Economics Review*, 28(3), 245–260.
29. Wagner, S. (2019). Spatial analysis of stakeholder perceptions in rural cooperatives. *Geographical Research*, 37(1), 89–102.
30. Venkataraghavan, R. (2021). Improving resource allocation through spatial analysis. *Journal of Spatial Planning*, 33(2), 201–215.
31. Simons, R., & Birchall, J. (2008). Cooperatives and the Millennium Development Goals. *Journal of Cooperative Studies*, 41(2), 5–15.
32. Wanyama, F. O., Develtere, P., & Pollet, I. (2008). Reinventing the wheel? African cooperatives in a liberalized economic environment. *Annals of Public and Cooperative Economics*, 79(3–4), 361–392.
33. Shafii, Z., Samad, R. R., & Yunanda, R. A. (2019). Shari'ah governance in Shari'ah-based cooperatives in Malaysia and Indonesia. In T. Azid, A. A. Alnodei, & M. A. Qureshi (Eds.), *Research in Corporate and Shari'ah Governance in the Muslim World: Theory and Practice* (pp. 279–286). Emerald Publishing.
34. Mhembwe, S., & Dube, E. (2017). The role of cooperatives in sustaining the livelihoods of rural communities: the case of rural cooperatives in Shurugwi District, Zimbabwe. *Jamba: Journal of Disaster Risk Studies*, 9(1), a341.

35. Kumar, V., Wankhede, K. G., & Gena, H. C. (2015). Role of cooperatives in improving livelihood of farmers on sustainable basis. *American Journal of Educational Research*, 3(10), 1258–1266.
36. Ferguson, J. A. (2012). Generating sustainable livelihoods; the role of cooperatives [Conference presentation]. *Harnessing the Cooperative Advantage to Build a Better World*, Ottawa, Canada.
37. Kleanthous, A., Paton, R. A., & Wilson, F. M. (2019). Credit unions, co-operatives, sustainability and accountability in a time of change: a case study of credit unions in Cyprus. *International Journal of Social Economics*, 46(2), 309–323.
38. Ortmann, G. F., & King, R. P. (2007). Agricultural cooperatives I: history, theory and problems. *Agrekon*, 46(1), 18–46.
39. Baticados, D. B., Agbayani, R., & Gentoral, F. (1998). Fishing cooperatives in Capiz, central Philippines: their importance in managing fishery resources. *Fisheries Research*, 34(2), 137–149.
40. Nozawa, K. (2011). Oil palm production and cooperatives in the Philippines , *UPSE Discussion Paper No. 2011-13*. 42-45
41. cooperatives in the Philippines [Conference presentation]. 2006 FFTC-NACF *International Seminar on Agricultural Cooperatives in Asia: Innovations and Opportunities in the 21st Century*, Seoul, Korea.
42. *International Cooperative Alliance [ICA]*. (2005). What is a cooperative? Retrieved from <https://www.ica.coop/en>
43. Lawangen, A. (2021). Rural cooperatives in disaster risk reduction and management: contributions and challenges. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, vol. 31, issue 2, pp. 144-157
44. Aref, F. (2011). Barriers to community capacity building for tourism development in communities in Shiraz, Iran. *Journal of Sustainable Tourism*, 19(3), 347–359. <https://doi.org/10.1080/09669582.2010.517314>
45. Aref, F. (2010b). Residents' attitudes towards tourism impacts: A case study of Shiraz, Iran. *Tourism Analysis*, 15(2), 253–261.
46. Aref, F., & Sarjit, S. G. (2009). Rural tourism development through rural cooperatives. *Nature and Science*, 7(10), 68–73.
47. Birchall, J. (2003). Rediscovering the cooperative advantage; Poverty reduction through self-help. International Labour Office (ILO). *Cooperative Branch International Labour Office, Geneva, First published 2003*. 54-58
48. Simons, R., & Birchall, J. (2008). Cooperatives and the Millennium Development Goals. *Journal of Cooperative Studies*, 41(2), 5–15.

-
49. Venkataraghavan, R. (2021). Improving resource allocation through spatial analysis. *Journal of Spatial Planning*, 33(2), 201–215.
50. Wagner, S. (2019). Spatial analysis of stakeholder perceptions in rural cooperatives. *Geographical Research*, 37(1), 89–102.